



مقدمه

با برگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱ میلادی، وضعیت حقوق بشر و حقوق زنان تبدیل به یکی از بحران‌های بی‌پیشینه و عمیق در افغانستان و منطقه شده است. گروه طالبان که رژیم سیاسی‌شان را «امارت اسلامی» و رهبرشان را «خلیفه و امیر» می‌خوانند، با صدور **۱۳۴ فرمان** در راستای اعمال کنترل بر حقوق و آزادی‌های شهروندی، محدودیت‌های شدیدی را بر حقوق و آزادی‌های زنان وضع کرده‌اند. زنان از حق آموزش رسمی، کار و فعالیت اقتصادی و بقیه حقوق انسانی و آزادی‌ها بنیادین محروم شده‌اند. در آخرین اقدام طالبان در راستای حذف و انسان‌زدایی از زنان، حضور اجتماعی زنان پس از انتشار قانون «**امر به معروف و نهی از منکر**» به صورت شوکه‌کننده‌ای محدودتر شد. بر مبنای این قانون پیشامدرن، آن‌ها صدای زنان را با برچسب «عورت» — واژه‌ای که به معنای اندام جنسی، برهنگی، و نمادی از ضعف و نقص به کار می‌رود — ممنوع اعلام کردند. از زنان همچنان خواسته شده که هنگام بیرون آمدن از خانه، در حالی که سرتاپای خود را پوشانده‌اند، یک عضو مرد خانواده را به عنوان «محرم» همراه خود داشته باشند.

در روایت حقوقی و سیاسی طالبان، شهروندان افغانستان «امت» یک «خلافت اسلامی» محسوب، و شهروندانی که به هر دلیلی دست به اعتراض در برابر فرمان‌ها و سیاست‌های رژیم زنند، «بغاوت‌گر» در برابر خلیفه مسلمانان یا همان رهبر طالبان شمرده می‌شوند. بر این مبنای، هر نوع فعالیت و اعتراض مدنی و سیاسی جرم پنداشته شده و فعالان بر مبنای قانون جزای اسلامی طالبان به احکام سنگین محکوم می‌شوند. از جانب دیگر، در تفسیر بنیادگرایانه طالبان از مذهب، زنان در خدمت ادامه نسل بشر و وقف امورات خانه‌داری هستند. این تفسیر، هویت زنانه را در نقش «مادر» و «همسر» خلاصه می‌کند. هر نوع از زنانگی غیر از این که در خانه و یا قلمرو عمومی، به ویژه در بافتار سیاسی و اجتماعی ظهور کند، تخطی از اصول و قوانین طالبان و هنجارهای اجتماعی شمرده می‌شود. در چنین چارچوبی، زنانگی مستقل در ذات خود جرم محسوب می‌شود.

زنان افغانستان، شامل مدافعان حقوق بشر، فعالان حقوق زن، کارمندان، روزنامه‌نگاران و سیاستمداران زن و دانشجویان دختر، از همان روزها و ماه‌های نخست برگشت طالبان به قدرت، دست به اعتراض علنی در برابر قوانین و سیاست‌های تبعیض‌آمیز رژیم طالبان زدند. تظاهرات پی‌هم و سرتاسری زنان، ده‌ها زن جوان را به خیابان‌ها کشاند. گسترش اعتراضات از خیابان تا شبکه‌های مجازی، طالبان را به هراس انداخت و در نتیجه رژیم با خشونت و پیگیری دست به سرکوب مخالفت‌ها زد. آن‌ها رهبران و اعضای گروه‌های اعتراضی زنان را در خیابان‌های محل تظاهرات، منازل شخصی و «خانه‌های امن» زنان که معترضان در آن‌جا پناه گرفته بودند، بازداشت کردند. در نتیجه، ده‌ها زن معترض، مدافع حقوق بشر، و فعالان حقوق زنان روانه بازداشتگاه‌ها و زندان‌های طالبان شدند. اظهارات زنان زندانی بعد از آزادی، حاکی از شرایط سخت و شکنجه‌های وحشتناک روانی و جسمی معترضان و حتی کودکان همراه‌شان است.

فمنا در سلسله گفت‌وگوهای صوتی با دوازده تن از مدافعان زن حقوق بشر و حقوق زنان افغانستان، تجربه بازداشت و حبس آن‌ها در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های طالبان را مستند و گردآوری کرده است. مصاحبه‌شوندگان بین ۲۵ تا ۴۰ سال سن دارند و از اقوام و ولایات‌های مختلف افغانستان هستند که در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ میلادی به جرم فعالیت مدنی و در اعتراض به سیاست‌های رژیم طالبان در برابر زنان، عمدتاً در شهر کابل دستگیر و هر کدام از آن‌ها دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بازداشت و زندان را پشت سر گذاشته‌اند. به استناد روایت‌های مصاحبه‌شوندگان، رژیم طالبان از حداکثر توان و ظرفیت خشونت‌بارش برای مجازات، ارباب و شکنجه این زنان در بازداشتگاه‌ها و زندان‌هایش استفاده کرده است.

گزارش پیش رو، در هفت بخش به روایت زنان مدافع حقوق بشر از بازداشت و حبس در زندان‌های طالبان می‌پردازد.

زنان چرا و چگونه بازداشت می‌شوند؟



نزدیک به سه سال قبل، طالبان، یک گروه جنگ جوی اسلام گرا، در نتیجه یک توافق ناقص صلح با ایالات متحده که زنان، جامعه مدنی، گروه های به حاشیه رانده شده و حتی دولت افغانستان از آن کنار گذاشته شده بودند، به قدرت رسید. پیروزی غیرمنتظره طالبان، موجی از سردرگمی، وحشت و اعتراض را رقم زد. با سقوط کابل، اکثر سیاستمدارها، روزنامه نگاران، مدافعان حقوق بشر و کنشگران حقوق زن سرشناس، به سرعت کشور را ترک کردند؛ اما شمار بزرگی از زنان که سابقه فعالیت و عضویت در جامعه مدنی و نهادهای حقوق بشری را داشتند، در کنار دانشجویان، کارمندان و کنشگران زن، راه پیمایی هایی را در اعتراض به برگشت طالبان در چندین استان افغانستان سازماندهی کردند. مدافعان حقوق بشر و حقوق زنان، با شعار «نان، کار، آزادی» خواهان تامین حقوق و آزادی های اساسی زنان شدند. آن ها، به صورت مشخص از حق آموزش، حق کار و آزادی های فردی و اجتماعی چون حجاب اختیاری و مشارکت سیاسی دفاع نمودند. طالبان، در پاسخ به مطالبات مشروع زنان، دست به سرکوب خشونت بار اعتراض ها زد. مدافعان زن حقوق بشر را گروه، گروه دستگیر و به بازداشتگاه و زندان ها منتقل نمود. زنان در زندان های طالبان شکنجه شده و شماری مورد تجاوز گروهی قرار گرفتند.

با این که شماری از مدافعان زن حقوق بشر، از زندان های طالبان رها و افغانستان را ترک کرده اند، اما مقاومت و اعتراض زنان خاموش نشده است. زنان در زیر سلطه حکومت استبدادی طالبان، از هر امکانی برای اظهار و نمایش اعتراض شان در برابر قوانین زن ستیز طالبان که مصداق بارز آپارتاید جنسیتی در این کشور است، استفاده می کنند. گروه های زنان معترض، در منزل و مکان های نامعلوم اقدام به آتش زدن حجاب و نشر ویدیوهای از آوازخوانی زنان، در فضای اینترنت کرده اند. نشر اعلامیه ها و پیام های اعتراضی علیه فرمان های محدودکننده طالبان هم به صورت مستمر ادامه دارد. تمام این اقدامات اعتراضی موجب پیگرد، شناسایی و دستگیری زنان شده است.

اکثر مدافعان حقوق بشر و حقوق زنان در گفت و گو با «فمنا»، اظهار داشته اند که دلیل عمده بازداشت آن ها، شرکت در تظاهرات و اعتراض به سیاست ها و قوانین تبعیض آمیز گروه طالبان بوده است. این زنان از مکان های مختلفی چون محل تظاهرات، منازل مسکونی، خیابان ها، و «خانه های امن» زنان که توسط سازمان های غیردولتی خارجی و داخلی اداره می شود، بازداشت و به زندان منتقل شده اند. کریمه، ۳۰ ساله، بعد از بازداشت در جریان یک نشست اعتراضی گروه های زن معترض، ۴۷ روز را در حبس انفرادی به سر برد:

«دلیل اصلی دستگیری من به خاطر دادخواهی برای حقوق زنان و اعتراض علیه فرامین محدودکننده طالبان در برابر زنان بود.»

زهره، ۳۵ ساله، یکی دیگر از مدافعان حقوق بشر است که در ولایت بلخ فعالیت کرده و برای فرار از دستگیری به کابل آمده بود:

«من با جمعی از زنان و دختران معترض به همراه کودکان شان به خانه امن پناه آورده بودیم تا زنده بمانیم. شب هنگام گروه تروریستی طالبان، بدون سروصدا داخل ساختمان شدند که ما آنجا بودیم و ما را محاصره و سپس دستگیر کردند.»

نسرین، ۳۵ ساله، در یکی از بازداشت‌های گروهی دختران معترض توسط مامورین طالبان و از یک «خانه امن»، دستگیر شد. او می‌گوید که هنگام بازداشت، ظاهر خشن سربازان مسلح طالبان و این واقعیت که آن‌ها به هیچ قانون و قاعده حقوقی و انسانی پایبند نیستند، احساس بی‌پناهی و ترس عجیبی را در او برانگیخته بود. نسرین می‌گوید:

«وقتی به سراغ من آمدند، نخست اصرار داشتند تا گوشی همراهم را از من بگیرند. چون گوشی پراسناد و ویدیوهای اعتراضات بود، از دادن گوشی خوداری کردم. پنج طالب مسلح من را محاصره کرده و یکی با مخابره (بی‌سیم) در دست داشته‌اش به صورتم کوبید و گفت که گوشی‌ام را بدهم. من در آن لحظات از ترس کنترل ادرارم را از دست دادم...»

سیلی محکم یک طالب هنگام دستگیری گلثوم، ۳۰ ساله، باعث شده که او دچار مشکل شنوایی شود. گلثوم که سابقه دو بار بازداشت توسط طالبان در جریان راهپیمایی‌های خیابانی را داشته است، می‌گوید:

«زمانی که ماشین‌های طالبان اطرافم را گرفتند، با این‌که وحشت و ترس تمام وجودم را فرا گرفته بود، مقاومت کردم و نمی‌خواستم سوار شوم. یکی از آن‌ها از موهایم مرا گرفت و دیگری با یک سیلی محکم بر گوشم زد. احساس کردم پرده گوشم پاره شد. برای چند لحظه پیش چشمم تاریک شد و گوشم صدا داد. از آن روز به بعد همیشه گوش درد هستم و مشکل شنوایی پیدا کرده‌ام.»



(Marcus Yam / Los Angeles Times)

شکنجه و خشونت در زندان طالبان



کلیه زنان مدافع حقوق بشر که برای تهیه این گزارش با آنها گفت‌وگو شده است، پس از انتقال به بازداشت‌گاه و زندان‌ها، در معرض انواع شکنجه، و خشونت‌های جنسی و جنسیتی قرار گرفته‌اند. بر مبنای اظهارات زنان زندانی، ماموران و مسئولان بازداشتگاه‌ها و زندان‌های طالبان از شیوه‌های خشن بازجویی و شکنجه روانی و جسمی برای به حرف کشیدن و ترساندن زنان استفاده می‌کردند.

پنج تن از زنان که تجربه حبس انفرادی را دارند، روایت کرده‌اند که در اتاق‌ها یا سلول‌های خیس، سرد و تاریک برای روزهای متمادی حبس شده بودند و هنگام رفت و برگشت به دستشویی هم مجبور به زدن چشم‌بند بودند. کریمه که ۴۷ روز را در حبس انفرادی به سر برده است، می‌گوید:

«با هر بار بازجویی و تحقیق طالبان، گویا می‌مردم و زنده می‌شدم. آن‌ها دوازده بار از من بازجویی کردند و در جریان هر بازجویی من را با شوک برقی، شکنجه می‌کردند. لت‌وکوب، و تحقیر و توهین می‌کردند و فحش‌های زشت و رکیک به من می‌گفتند. اتاقی که من بودم، نمناک بود. آن‌ها روی فرش اتاق آب می‌ریختند تا نتوانم استراحت کنم و بیشتر شکنجه شوم.»

بازجوها در بازجویی‌های پی‌هم و فرسایشی که معمولاً در ساعات میانی شب انجام می‌شده، زنان زندانی را با کتک، مشت و لگد، سیلی زدن بر سر و صورت، پرت کردن اشیای بُرنده و تیز، پاشیدن چای و یا آب داغ به سر و صورت، لت‌وکوب با میل و قنداق تفنگ مورد شکنجه و خشونت جسمی قرار داده‌اند. نسرین می‌گوید:

«بیشتر از پنج شبانه‌روز در حال بازجویی پی‌هم بودم. تماس‌های موبایل‌هایمان را ردیابی می‌کردند. تمام اطلاعات گوشی‌ها را به کامپیوترهایشان منتقل کردند. صبح وقت، نصف شب، روز و شب نداشت. در تمام مدت، گروه‌های مختلفی برای بازجویی می‌آمدند. آن‌ها با اصرار می‌پرسیدند که چه مقدار پول و از کدام کشور دریافت کرده‌ایم {تا در برابر طالبان اعتراض کنیم}. بازجوها ما را متهم به جاسوسی برای آمریکا و کشورهای اروپایی می‌کرد.»

تعدادی از زنان زندانی، شش نفر، اظهار داشته‌اند که با استفاده از شوک برقی مورد شکنجه قرار گرفته‌اند و این تجربه چندین بار تکرار شده است. لاله می‌گوید:

«به وضعیت بازداشت اعتراض کردم، به من گفتند که زبان‌درازی نکنم و بازجو پاهایم را شوک برقی داد. به زمین افتادم، دوباره من را روی چوکی (صندلی) قرار دادند. یکی پرسید که از کدام ولایت هستی؟ زمانی که گفتم از قندهار {ولایت پشتون‌نشین}، بازجو لیوان چای داغ را به سمتم پرتاب کرد که به سر و صورتم برخورد کرد. با دست چشمانم را پوشاندم و جیغ زدم: کورم کردید!»

بنا به اظهارات مصاحبه‌شوندگان، تعلق به قوم «هزاره» و مذهب شیعه، عاملی برای تشدید شکنجه‌ها و توهین‌های بیشتر بوده است. زحل در این مورد می‌گوید:

برخی از زنان معترض بعد از روزها و هفته‌ها تعقیب و گریز بازداشت شدند. گیسو که ۳۰ سال دارد، یکی از این زنان است. می‌گوید:

«من مدت یک‌ونیم ماه تحت تعقیب بودم و بیشتر از هفت بار جا و مکان تغییر دادم. در آخرین مکان که یک خانه امن بود، دستگیر شدم.»



مخالفت و اعتراض به حجاب اجباری و پوشش مورد تایید طالبان، یکی دیگر از دلایل بازداشت تعدادی از زنان مدافع حقوق بشر بوده است. در جریان راهپیمایی‌های پی‌هم زنان در کابل، گروهی از دختران معترض در اعتراض به حجاب مورد تایید طالبان که «چادری یا برقع»‌هایی است که سرتاپای زنان را می‌پوشاند و فقط چشم‌هایشان قابل دیدن است، تعدادی برقع را در خیابان به آتش کشیدند. این اعتراض خشم طالبان را برافروخت و دلیل پیگیری و بازداشت تعدادی از زنان شد. زحل، ۲۸ ساله، می‌گوید:

«در آخرین تظاهرات خیابانی ما که به تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۲۲ برگزار شد، گروهی از دختران در آن تظاهرات برقه یا چادری را آتش زدند و طالبان روی این موضوع بسیار حساس شدند. آن‌ها تعدادی از آن دختران را بازداشت کردند و در تلاش بودند تا همه دخترانی را که در راهپیمایی آن روز شرکت کرده بودند، دستگیر و زندانی کنند.»



تعدادی از مصاحبه‌شوندگان هم صرفاً به دلیل حضور بدون محرم یا همراهی یک عضو مرد خانواده در خارج از منزل، بازداشت شده‌اند. زهرا، ۳۹ ساله، روند بازداشت خود را که با ضرب‌وشتم شدید همراه بوده است، شرح می‌دهد:

«من به دلیل تنها بیرون‌شدن از منزل و نداشتن محرم دستگیر شدم. گروهی کوچکی از طالبان مرا در ریکشا در قسمت ایست بازرسی دیدند. پرسیدند که چرا محرم نداری؟ آن‌ها بدون این که به توضیحات من گوش دهند، محاصره‌ام کردند. دستم را گرفتند و با قنداق و میل تفنگ مرا کتک زدند و به زور سوار ماشین کردند. زیاد گریه کردم و جیغ زدم ولی هیچ‌کس به خاطر کمک کردن به من نیامد.»



بر مبنای اظهارات مصاحبه‌شوندگان، ماموران طالبان حکم و یا دلیل بازداشت را اعلام نمی‌کنند. مامورین نخست تمام وسایل شخصی و ارتباطی معترضان را ضبط و اجازه هیچ نوع تماس با خانواده و دوستان را به بازداشتی‌ها نمی‌دهند. بازداشت توسط ماموران مرد انجام شده و معمولاً با خشونت‌های جسمی چون کتک‌زدن به وسیله میل و قنداق تفنگ، شلاق زدن، توهین و تحقیر، فحش‌های رکیک جنسی، کشیدن کیسه پلاستیکی بر سر و صورت بازداشت‌شدگان حین انتقال به بازداشت‌گاه همراه بوده است. لاله، ۲۹ ساله، که ۶۶ روز را در بازداشت و زندان طالبان به سر برده است، در مورد بازداشت‌اش می‌گوید:

«من سوار تاکسی بودم. از راننده خواستم که از کوچه بغلی دور بزند. ناگهان طالبان نزدیک ما شدند و گفتند ایست! به من گفتند بیا بیرون. پرسیدم چرا؟ گفتند خودت بهتر می‌دانی! من را سوار ماشین خودشان کردند. یک طالب به طرف چپ و یکی طرف راستم نشست. طبق قوانین خودشان اعتراض کردم که شما محرم من نیستید، چرا کنارم نشسته‌اید. گفتند سرت را پایین بگیر. یکی از طالب‌ها کیسه پلاستیکی سیاه را به سرم کشید. من اعتراض کردم. با میل تفنگ محکم به شانه‌ام زد.»





«من شخصا به خاطر موبایل و هزاره بودنم، رفتار بسیار خشن طالبان را تجربه کردم. در موبایل همه ویدیوها و عکس‌های اعتراضات بود. از همه مهم‌تر پیام‌های هماهنگی برنامه اعتراضی روز هجدهم ژانویه در چت‌های گروهی‌ام موجود بود. طالبان فکر می‌کردند که من رهبر دختران معترض هستم. بابت این موضوع شکنجه‌های جسمی و روحی بسیار سختی را متحمل شدم.»

در یک مورد دیگر، زحل روایت می‌کند که بازجوها با زبان پشتو از زنان زندانی که فارسی‌زبان هستند، سوال می‌پرسند و اگر زندانی متوجه پرسش نشود، مورد شکنجه‌های شدیدتری قرار می‌گیرد. نفیسه، ۳۰ ساله، با این‌که فقط یک روز در زندان طالبان بوده است، اما از شکنجه و آزار جسمی و روانی در امان نبوده است. او می‌گوید:



«شوکه برقی دادند، موهایم را کردند، فحش و ناسزا گفتند و به خاطر هزاره بودنم مرا تحقیر و توهین کردند. یک شبانه‌روز انگار یک سال بر من گذشت.»

همچنین کلیه زنان مصاحبه‌شونده در دوران بازداشت مورد خشونت‌های کلامی قرار گرفته و توسط ماموران طالب به تکرار «روسی» و «جاسوس بیگانه‌ها» خوانده می‌شدند که همین موضوع هراس شدیدی از اتهامات سنگین چون «فحشا» و «بغاوت» ایجاد کرده بود. اتهاماتی که هر دو می‌توانند مجازات‌های سنگینی به دنبال داشته باشند. نسرين می‌گوید:



«بازجوها در جریان تحقیق و بازداشت ما را به چشم یک انسان نگاه نمی‌کردند. آن‌ها به تکرار ما را فاحشه خطاب می‌کردند. آن هم طوری که در کشور {افغانستان} فاحشه‌گی جرم است و کسی که به عنوان فاحشه دستگیر شده باشد، حکم قضای طالبان بر او جاری خواهد شد. خانمی را در زندان ملاقات کردم که به جرم فحشا برایش حکم سنگسار داده بودند.»

علاوه بر این، بازجوها در بازجویی‌ها، هویت سیاسی و اجتماعی زنان معترض را به سخره گرفته، و همچنین زنان معترض در حبس را مجبور به ادای نماز و اجرای مناسک و احکام عبادی اسلام کردند.

شرایط غیر انسانی و وحشتناک
بازداشت‌گاه‌های طالبان



بنا بر اظهارات و چشم‌دیدهای زنان معترض در حبس، در بسیاری موارد، بازداشت‌گاه‌ها و زندان‌های طالبان در واقع ساختمان‌های دولتی، دفاتر رسمی و کودکان‌هایی است که طالبان به عنوان بازداشت‌گاه و حتی زندان از آن استفاده می‌نمایند. طالبان تمام پنجره‌ها و درهای این ساختمان‌ها را با قطعات آهنی کاملاً پوشیده و قفل و زنجیر کرده‌اند. اتاق‌ها بدون نور و هوای کافی است و کم‌ترین امکانات بهداشتی را دارد. گیسو می‌گوید:

«در داخل ساختمان، شعبات و دفاتر رسمی تبدیل به سلول‌های زندان شده بود. کامپیوترها و میزهای کاری را از ساختمان بیرون و آن‌جا را تبدیل به زندان کرده‌اند. زندانی‌های زیادی را آن‌جا نگهداری می‌کنند. این زندان موقت نزدیک وزارت داخله و در مرکز شهر است و توسط «قطعه بدری» (واحد نظامی ویژه و آموزش‌دیده طالبان) محافظت می‌شود.»

در چندین مورد، زنان در دسته‌ها و گروه‌های پرتعداد توسط کانتینر و کامیون به بازداشت‌گاه‌ها منتقل و در اتاق‌های کوچک حبس شدند. سارا، ۳۰ ساله، می‌گوید:

«ما را با ۴۰ تا ۵۰ زندانی در اتاق‌هایی به وسعت سه در چهار متر مربع نگه‌داری می‌کردند.»

یازده تن از زنان مصاحبه‌شونده، درباره شرایط سخت و محیط نامناسب و غیربهداشتی زندان‌ها و بازداشتگاه‌های طالبان صحبت کرده‌اند. به گفته آنان سلول‌ها یا اتاق‌ها کثیف، خیس و بدبو و مملو از موش و حشرات گزنده است. زهره می‌گوید:

«ما را شب‌هنگام به مکانی انتقال دادند که به نظر می‌رسید مدتی زیادی متروکه بوده است. پر بود از مدفوع موش، موش‌ها و حشراتی که از گوشه‌ای به گوشه دیگر می‌دویدند. پایم در جریان اعتراضات به دلیل ضرب و شتم طالب شکسته بود و شدید درد داشت، ولی دارو و دکتر نبود، و جرات هم نداشتم شکایت کنم.»

اکثر زنان تاکید کرده‌اند که در طول بازداشت و مدت زندان، به مواد و امکانات بهداشتی چون آب کافی، دوش و حمام دسترسی نداشته‌اند. شامپو، صابون و مسواک فقط گاهی و آن هم بعد از اعتراض و درخواست مکرر زندانیان در اختیارشان قرار داده می‌شد. گلثوم می‌گوید:

«محیط تنگ و تاریک بود و من روی آفتاب و روشنی را نمی‌دیدم. در یک اتاق تنها بودم. زمانی که می‌خواستم دستشویی بروم ساعت‌ها در را تکتک می‌کردم تا یکی بیاید و در را باز کند. سپس من را با چشمان بسته به دستشویی می‌بردند.»

در یک مورد دیگر، گیسو روایت می‌کند که در نتیجه اعتراض و اصرار زیاد، بعد از پانزده روز به آن‌ها اجازه داده شده است تا حمام کرده و لباس‌هایی را که از کثیفی به بدنشان چسبیده بود، عوض کنند و بشویند.

برای گروهی از زنان که در خانه امن بازداشت شده بودند، نبود محصولات بهداشتی دوره پیروید بسیار آزاردهنده بود. شوک و استرس شدید باعث شده بود اکثرشان پیروید شوند ولی در تمام مدت به نوار بهداشتی یا تامپون دسترسی

نداشته و مجبور بودند از پارچه‌های کثیف موجود در اتاق و یا لباس‌هایشان استفاده کنند. زهره می‌گوید:

«جایی که من با کودکان زندانی بودم، هیچ امکانت بهداشتی نبود. حتی آب نبود که دست و صورت‌مان را بشوییم. شامپو، صابون اصلاً وجود نداشت. لباس نبود. تا یک مدت بسیار طولانی که وسایل ما را از خانه امن آوردند، نوار بهداشتی هم نداشتیم. از شدت استرس و ترس همه ما پریود شده بودیم اما هیچ امکاناتی نبود و مجبور شدیم از روکش لحاف‌های کثیف استفاده کنیم.»

با استناد به روایت‌های مصاحبه‌شونده‌ها، وضعیت غذایی در زندان‌ها دست‌کمی از شرایط وخیم بهداشتی ندارد. زندانیان دسترسی محدودی به آب آشامیدنی دارند. وعده‌های غذایی نامنظم است، طوری که گاهی در روز، یک وعده غذایی و زمانی هر سه روز یک بار و در مواقعی هم، روزی دو بار به زندانیان غذا تهیه می‌شود. وعده غذایی بدون گوشت، سبزیجات، لبنیات و کیفیت غذا بسیار بد و نامطبوع است. به طور معمول در غذا ناخن، مو و اشیای کثیف وجود دارد. زنان بازداشت‌شده از قوم هزار و مذهب شیعه اظهار داشته‌اند که طالبان روزهای طولانی آن‌ها را کاملاً در گرسنگی و تشنگی نگه داشته‌اند. گیسو می‌گوید:

«ابتدا نه آب بود و نه غذا، مخصوصاً در پنج روز اول که تحقیق می‌کردند، یکی از ابزارهای فشار بر ما، به خاطر اعتراف گرفتن، در گرسنگی و تشنگی قرار دادن ما و کودکان‌مان بود. اما وقتی بچه‌ها «کودکان» در اثر کمبود آب و غذا ضعیف و بیمار شدند، به توصیه دکتر آب و غذا آوردند. من بارها متوجه شدم که در غذا ناخن، مو، و آشغال است. در واقع آن‌ها غذاهای پس‌مانده سربازها را به ما می‌دادند. آب آشامیدنی را در سطل‌های زباله و بشکه‌های بسیار کثیف می‌آوردند. وعده‌های غذایی مشخص و به‌موقع نبود، به میل خودشان غذا می‌آوردند، گاهی روزی دو وعده و گاهی هم روزی یک وعده.»

در همین حال و با این که انواع بیماری‌های مسری فصلی، حملات روانی، مشکلات جسمی بعد از شکنجه و ناراحتی‌های مزمن، زنان و کودکان‌شان را درگیر کرده بود، طالبان فقط یک دکتر و پرستار را موظف به رسیدگی به بیماران کرده بود. بنا به اظهارات زنان مصاحبه‌شونده، فقط زمانی که یک زندانی در وخیم‌ترین وضعیت سلامتی قرار می‌گرفت، به او رسیدگی می‌شد.

وضعیت دشوار کودکان بازداشت شده به همراه زنان مدافع حقوق بشر



مدافعان زن حقوق بشر و حقوق زنان در افغانستان، در جریان و بعد از اعتراضات خیابانی، به صورت مستمر تحت پیگرد و تعقیب نیروهای استخباراتی طالبان قرار گرفتند. زنان به ناچار با کودکانشان از منازل و مکان‌های شناسایی شده فرار کرده و به مکان‌های امن‌تر پناه می‌بردند. در چندین مورد، کودکان شاهد صحنه‌های خشونت بار دستگیری مادران‌شان بوده‌اند.

طالبان در یک دور از دستگیری گروهی زنان معترض، آن‌ها را به همراه کودکان‌شان از خانه امنی که در آن پناه گرفته بودند، بازداشت کرده و به زندان انتقال دادند. مادران روایت می‌کنند که هنگام هجوم افراد مسلح طالبان برای دستگیری، در حالی که از ترس برخورد می‌لرزیدند، تلاش داشتند که کودکان را در آغوش گیرند تا از وحشت آنها کاسته شود. زهره یکی از این مادران است. او می‌گوید:

«وقتی طالبان برای بازداشت ما آمده بودند، پسر من آن قدر گریه می‌کرد که انگار قلبش از دهانش بیرون می‌شود. با دو دستم او را محکم گرفته بودم که خدای ناخواسته بلایی سرش نیاید. در همین هنگام، هم اتاقی‌ام گفت که می‌رود تا خودش را از پنجره به بیرون پرتاب کند. در آن لحظه تمام هراسم به غیر از کودک وحشت زده‌ام، ترس از تجاوز جنسی گروهی طالبان بود. وقتی هم اتاقی‌ام نزدیک پنجره شد، دید که سربازان مسلح طالبان تفنگ‌هایشان را رو به ساختمانی که ما بودیم، گرفته بودند. حیران مانده بودیم که چه کنیم. خودم از مرگ ترسی نداشتم اما با هم اتاقی‌ام گپ زدم که من طفل خردسال دارم و باید در را باز کنیم. به تفاهم رسیدیم. به طالبان مسلح که پشت در بسته اتاق بودند، گفتم به شرطی در را باز می‌کنیم که به ما شلیک نکنید، چرا که با ما طفل خردسال است. در را باز کردیم. از آن لحظات چیزی نگویم بهتر است و این که چه شبی بر ما گذشت. طعم مرگ را چشیدیم»

گیسو که با سه فرزندش بازداشت شد، روایت مشابهی دارد:

«مواجه شدن با تصاویر کودکان مان که از ترس قلب‌هایشان تندتند می‌زد، و هرباری که در زندان باز می‌شد، نمی‌توانستند ادرارشان را کنترل کنند، آزاردهنده بود. مخصوصاً وقتی شب‌هنگام موقع خواب از کمبود اکسیژن در اتاق نفس‌نفس می‌زدند و چشم‌هایشان از حدقه بیرون می‌زد. در یک کلمه، در زمان فرار، موقع دستگیری، داخل زندان و دم‌رهایی، من فقط یک مادر بودم.»

وضعیت کنونی عدالت و تأثیرات روان‌شناختی



با طالبان در سطح بین‌المللی به عنوان یک دولت دیفکتو (غیررسمی) رفتار می‌شود و انتظار پابندی و تعهد به ارزش‌های بین‌المللی حقوق بشر و قوانین حقوقی بین‌المللی از آن‌ها نمی‌رود. اما مردم افغانستان در مواجهه با جهل و ستم این گروه بدنام و غیرقانونی سکوت نکرده‌اند. بسیاری از مردم، به ویژه زنان مدافع حقوق بشر و زنان معترض افغانستان، با دادخواهی‌های مدنی، در سطح ملی و بین‌المللی، در پی اعمال فشار بر نهادهای بین‌المللی و دولت‌های دخیل در مسایل افغانستان هستند تا طالبان را به هر نوعی که شده در قبال رفتارها و سیاست‌های تبعیض‌آمیز و خشونت‌بارشان پاسخگو کنند. بدون شک مسیر آزادی و مبارزه مردم و زنان افغانستان در برابر گروه حاکم طالبان بسیار سخت و تاریک است. این مبارزه به کلیه نیروهای معترض، به ویژه مدافعان زن حقوق بشر و حقوق زنان نیاز دارد. اما متأسفانه، پیامد روانی شکنجه‌ها و روند مملو از خشونت و انسان‌زدایی از معترضین در مدت بازداشت و حبس، برای مدافعان حقوق بشر و حقوق زنان زندانی طالبان، بسیار سنگین و شدید بوده است. چنانچه، در مواردی منجر به کناره‌گیری شماری از این زنان از فعالیت‌های مبارزاتی‌شان شده است. علاوه بر این، نگاه منفی جامعه افغانستان به زنانی که بازداشت و زندانی می‌شوند، باعث شده تعدادی از این زنان دیگر نتوانند به فعالیت اجتماعی و سیاسی‌شان برگردند و یا زندگی عادی را از سرگیرند. شماری از زنان مصاحبه‌شونده حاضر شدند با ما در مورد آسیب‌های روانی و جسمی دوران حبس و شکنجه صحبت نمایند. رنج و دردی که هنوز و با گذشت ماه‌های بعد از آزادی، آنها را آزار می‌دهد. زنان در اثر بازجویی‌های طولانی، شکنجه، تعرض و تجاوز، و خشونت‌های جنسی و جنسیتی دچار آسیب‌های شدید روانی شده‌اند. این زنان از حملات عصبی و افسردگی، انزوا، گوشه‌گیری و دل‌زدگی از زندگی شکایت دارند. زهرا می‌گوید:

«متأسفانه حالت روانی‌ام اصلاً خوب نیست و خود را خوب احساس نمی‌کنم. بعضی وقت‌ها دچار حملات عصبی می‌شوم. شش ماه می‌شود که تحت مداوای روان‌شناس هستم. شوهر و اعضای خانواده‌ام نگرانم هستند و تلاش می‌کنند که آن حادثه را فراموش کنم، اما من منزوی و گوشه‌گیر شده‌ام و می‌ترسم که از خانه بیرون شوم.»

سارا که بیشتر از یک ماه را در زندان طالبان سپری کرده است، می‌گوید که زندان طالبان سرنوشت او را تغییر داده است:

«مشکلات زیادی را دیدم و تجربه کردم. من دیگر آن آدم سابق نیستم. صحت و روان خود و همچنان آبرو و عزت خویش را از دست دادم. حالا در خانه تک‌وتنها هستم، نه بیرون می‌روم و نه مردم مرا قبول دارند. این خودش مرگ تدریجی است.»

کریمه که در حبس انفرادی مورد شکنجه با شوک برقی قرار گرفته و برای روزهای طولانی برفرش خیس و در مکان نمناک قرار داشته است، حالا دچار درد و ناراحتی‌های شدید در مفاصل پاها و استخوان‌های بدنش است.

وضعیت دادرسی در نبود سیستم قضایی



آنچه مسلم است امروز در افغانستان فعالیت مدنی و اعتراض به سیاست‌ها و قوانین رژیم طالبان جرم است، و این گروه با نقض حق آزادی بیان و آزادی تجمعات، با معترضان و منتقدان برخورد سرکوب‌گر و بی‌رحمانه‌ای دارد. بررسی شرایط و وضعیت زنان مدافع حقوق بشر و زنان معترض در حبس نشان می‌دهد که خشونت، شکنجه، و بی‌قانونی در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های طالبان، فراتر از تصور بوده است. گروه طالبان در نخستین روزهای برگشت به قدرت، قانون اساسی و قوانین مدنی و جزایی افغانستان را بی‌اعتبار خوانده و ملغا کردند. اکنون نهادهای قضایی در کشور، بر مبنای تعبیر و تفاسیر ملاهای طالبان از شریعت و فقه حنفی اداره می‌شود.

در نبود یک نظام حقوقی مدرن و قوانین مدون دادرسی و جزایی، هر شکل از برخورد با متهمان در زندان‌های طالبان مجاز است، چنانچه، هیچ‌یک از زنان دستگیرشده در مدت بازداشت به حقوق اولیه‌ای چون حق دسترسی به وکیل، امکانات بهداشتی و سلامتی و برخورداری از یک روند دادرسی عادلانه دسترسی نداشته‌اند. همچنین در نبود قوانین مدون، اصل قانونی بودن جرم و مجازات نیز رعایت نشده و برخوردهای سلیقه‌ای جای اعمال قانون را گرفته است. شکنجه‌های جسمی و روانی در زندان‌های طالبان در شرایطی اعمال می‌شود که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به صراحت اعمال شکنجه و رفتار خلاف انسانی علیه افراد را نهی می‌کند. در ماده ۹ این میثاق تصریح شده است که هیچ‌کس را نمی‌توان به طور خودسرانه دستگیر کرد و این‌که همه افراد می‌بایست بلافاصله پس از دستگیری از علل بازداشت خود مطلع و در سریع‌ترین زمان در دادگاه حاضر شده و در یک روند عادلانه به اتهامات‌شان رسیدگی شود. این در حالی است که ده تن از زنان مصاحبه‌شونده گفته‌اند که در تمام مراحل بازداشت و حبس، به صورت کتبی و رسمی اعلام جرم و یا تفهیم اتهام نشده‌اند. همچنین، هفت تن از این زنان گفته‌اند که برای روزهای متمادی خانواده‌های آنها در بی‌خبری قرار داشته و به بازداشت‌شدگان اجازه تماس یا ملاقات داده نمی‌شد. همچنین زنان بازداشت‌شده به وکیل، خانواده‌هایشان و سیستم‌های حمایتی دسترسی نداشته‌اند. معمولاً خانواده‌ها برای بازخواست از سرنوشت زندانی‌ها، به ناچار به طالبان مراجعه کرده و با پادرمیانی متنفذین مذهبی و قومی منطقه، زنان از بازداشت رها شده‌اند. مارینا، ۲۵ ساله، می‌گوید: «هیچ نوع حمایتی نبود. دایی‌ام بزرگان منطقه و موی سفیدان را نزد طالبان برای ضمانت و رهایی ما آورده بود. آن‌ها تلاش کردند که ما را هرچه زودتر رها سازند.» شفیقه، ۲۷ ساله، هم روایت مشابهی دارد:

**«به هیچ نوع حمایت و یا سیستم حمایتی دسترسی نداشتم. فقط پدرم همراه همسایه
ما که طالب بود، آمدند و مرا ضمانت کردند و بعد آزاد شدم. طالبان از من تعهد گرفتند که
بعد از این در خانه‌ام باشم و برخلاف امارت اسلامی فعالیت نکنم.»**



البته، در مواردی که خبر قضایای دستگیری به گوش نهادهای مدافع حقوق بشر و رسانه‌ها رسیده است، آن‌ها تلاش کرده‌اند تا صدای زنان زندانی باشند و نگذارند که زنان در سکوت رسانه‌ای مورد شکنجه و اذیت قرار گیرند. زنان زندانی تایید کردند که رسانه‌ای شدن قضایا از شدت شکنجه‌ها و احتمال احکام سنگین کاسته است.

توصیه‌های استراتژیک

فمنا با اذعان به مقاومت و تلاش‌های زنان مدافع حقوق بشر و زنان معترض در افغانستان، مجموعه‌ای از توصیه‌های امنیتی را بر مبنای مصاحبه و گفت‌وگو با زنانی که زندان طالبان را تجربه کرده‌اند، تدوین کرده است. هدف از این توصیه‌ها، تقویت و گسترش آگاهی برای فعالیت در شرایط امنیتی و همچنین مراقبت فردی و جمعی برای افزایش تاب‌آوری و پایداری زنان معترض و فعال و گروه‌هایشان است. در بخش بعدی، توصیه‌های فمنا به جامعه بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد و دولت‌های غربی و منطقه‌ای، سازمان‌ها حقوق بشری جهانی و شبکه‌ها و کنشگران فمنیست در جهان، گنجانده شده است. حمایت جهان از زنان افغانستان، آن‌ها را در مبارزه شان کمک خواهد کرد.

پیشنهاد‌های امنیتی به مدافعان زن حقوق بشر و حقوق زنان:

- فعالیت‌ها و مبارزه تان را تا حد ممکن به صورت مخفی و پنهانی انجام دهید (تغییر نام و هویت، پوشاندن صورت در هنگام اعتراض، مصاحبه و تردد).
- امنیت اینترنت را جدی بگیرید و از خط‌های مستقیم برای تماس با افراد استفاده نکنید. از فناوری‌ها و اپلیکیشن‌های پیام‌رسان امن و رمزگذاری شده استفاده کنید و برای حفظ حریم خصوصی و امنیت خود، همواره از نام‌های مستعار استفاده کنید.
- دستگاه‌ها و نرم‌افزارهای امنیتی خود (ضد ویروس و ضد جاسوسی) را به طور منظم به‌روز کنید.
- هنگام استفاده از اینترنت از VPN استفاده کنید تا هویت و مکان خود را محافظت کنید.
- رمزهای عبور خود را به طور منظم تغییر دهید و از تصدیق دو مرحله‌ای استفاده کنید.
- ردپای دیجیتال خود را پاک کنید و از محتوایی که به طور عمومی قابل شناسایی باشد، حتی به طور غیرمستقیم مرتبط با هویت یا مکان تان است، خودداری کنید.
- برای فعالیت‌های مدنی و زندگی شخصی، تلفن همراه و سیم‌کارت‌های جداگانه داشته باشید و آن‌ها را به طور منظم تعویض یا دور بیندازید.
- در گوشی‌های همراه و لپ‌تاپ‌های شخصی تان ویدیو، شعار و یادداشت‌های مرتبط به فعالیت‌هایتان را نگهداری نکنید.
- اپلیکیشن‌های ارتباطی (واتس‌آپ، مسنجر، تلگرام، اینستاگرام، سیگنال) را که حاوی نام افراد و اطلاعات مربوط به فعالیت‌هایتان است، پاک نگه دارید.
- اگر احتمال می‌دهید که ممکن است در جریان اعتراضات یا جلسات بازداشت یا ربوده شوید، حتماً خانواده، دوستان یا همکاران مورد اعتماد خود را از برنامه‌تان مطلع کنید. فردی که به او اعتماد دارید باید پس از پایان برنامه، در خانه یا مکان از پیش تعیین‌شده منتظر شما باشد. در صورتی که در زمان مقرر بازنگردید، او متوجه خواهد شد که احتمالاً بازداشت یا ربوده شده‌اید و می‌تواند فوراً روند اطلاع‌رسانی به خانواده و همکارانتان را آغاز کند.
- با خانواده و اعضای گروه خود از پیش هماهنگ کنید که در صورت بازداشت، اگر ظرف دو تا سه روز آزاد نشدید و تلاش خانواده برای آزادی تان از طریق میانجی‌گری با طالبان نتیجه نداد، موضوع بازداشت تان را به رسانه‌ها و سازمان‌های معتبر حقوق بشری اطلاع دهند تا خبر آن را منتشر و پیگیری کنند. طالبان با قضایای که رسانه‌ای می‌شود، با ملاحظه و ترس برخورد می‌کند.
- در هنگام دستگیری، با هر وسیله ممکن خبر بازداشت تان را به اطلاع خانواده و یا دوستان برسانید.
- هنگام بازداشت و یا در هر فرصت مناسب سکوت نکنید. فریاد و سرو صدا باعث جلب توجه و انتقال خبر به رسانه‌ها خواهد شد.

- به افراد، بازجوها و نگهبانان در زمانی که تحت تعقیب، بازجویی و یا در زندان قرار دارید، اعتماد نکنید.
- شبکه ارتباطی و حمایتی تان را گسترش دهید تا در هنگام دستگیری برای شما دادخواهی صورت گیرد.

توصیه‌ها به جامعه بین‌المللی و نماینده‌های دولت‌های تاثیرگذار بر افغانستان

- از مذاکره یا تعامل بدون قید و شروط با طالبان خودداری کنید؛ چرا که طالبان و نظام‌شان، واقعیت فراگیر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان نیستند.
- اذعان کنید که حذف سیستماتیک زنان از جامعه و انسانیت‌زدایی از زنان مصداق بارز «آپارتاید جنسیتی» است. این جریان سیستماتیک جنایت در برابر زنان در افغانستان را به رسمیت شناخته و از نقض بیشتر حقوق و کرامت انسانی جلوگیری نماید.
- به خواسته‌ها و مطالبات گروه‌ها و کنشگران بی‌طرف مدنی و اجتماعی — به ویژه زنان افغانستان — گوش دهید، نیازها و مطالبات آنان را به رسمیت بشناسید و به آن پاسخ دهید، و در مقابل خشونت، شکنجه و سرکوب جاری در افغانستان سکوت نکنید.
- حمایت مالی از نهادها، گروه‌های و کنشگران مدنی به‌ویژه گروه‌های مدنی و فعالانی که با رهبری زنان فعالیت می‌کنند به تقویت صدا و ادامه فعالیت‌های آنها خواهد انجامید. برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت سرمایه‌گذاری بر نهادهای مدنی و حقوق بشری افغانستان را روی دست گیرد.
- دولت‌ها و نماینده‌های دولت‌های تاثیرگذار بر مسایل افغانستان، مسئولیت دارند تا در هر فرصت ممکن هنگام بازداشت و حبس کنشگران مدنی و سیاسی، به ویژه زنان، با فشار سیاسی و دیپلماتیک، گروه طالبان را مجبور به رعایت موازین و قوانین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق زندانیان کنند.
- طالبان زنان را به هر بهانه‌ای دستگیر، زندانی و شکنجه می‌کنند. آن‌ها را در مقابل این اعمال و برخوردهای سرکوبگرانه و بی‌رحمانه‌شان، پاسخگو نگه دارید.
- از سازوکارهای حقوقی که برای به‌حساب‌گیری طالبان به‌خاطر جرایم‌شان تلاش می‌کنند، از جمله دادرسی‌ها در محکمه بین‌المللی عدالت (ICJ) و محکمه کیفری بین‌المللی (ICC) حمایت نمایید.
- توصیه می‌شود که دفتر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، به صورت جدی‌تر به پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان و نظارت بر زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌های طالبان بپردازد. گزارش «فمنا» از گفت‌وگو با زنان معترض زندانی در زندان‌های طالبان، حاکی از نقض گسترده حقوق و شکنجه زندانیان است.
- زنان افغانستان در بند یک دیکتاتوری مستبد و سرکوبگر مذهبی و قومی، فاقد هر نوع صدا و فاعلیت اجتماعی و سیاسی هستند. انتظار می‌رود که به نماینده‌های این اکثریت سرکوب‌شده، امکان مشارکت مناسب و عادلانه در تمام نشست‌های ملی و بین‌المللی در باره افغانستان فراهم شود.

توصیه‌ها به سازمان‌ها حقوق بشری جهانی و شبکه‌ها و کنشگران فمینیست

- حمایت مالی پایدار و مستمر باید به مدافعان حقوق زنان افغانستان، سازمان‌های مردمی و گروه‌های مستقل جامعه مدنی که در تبعید یا به‌صورت مخفیانه در داخل افغانستان فعالیت می‌کنند، ارائه شود. از سازوکارهای مالی منعطف حمایت کنید تا زنان بتوانند با امنیت کامل فعالیت‌های مدنی و مقاومت خود را ادامه دهند.
- به طور فعال بر دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و مراجع تصمیم‌گیرنده فشار وارد کنید تا آپارتاید جنسیتی در افغانستان را به رسمیت شناخته و به آن پاسخ دهند. برای تحریم‌های هدفمند علیه رهبران طالبان تلاش کنید و حضور زنان افغان را در تمامی مذاکرات مربوط به آینده افغانستان تضمین نمایید.
- از فرصت‌ها و سکوها جهانی استفاده کنید تا صدای زنان و فعالان افغان و خواسته‌های آنان را برجسته سازید. مشارکت آنان را در محافل بین‌المللی، کمپاین‌های رسانه‌ای و شبکه‌های فمینیستی حمایت کنید تا توجه جهانیان

به مبارزه‌شان حفظ شود.

- کانال‌های امن و مطمئنی برای ارتباط مدافعان حقوق زنان افغانستان با سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، هم‌پیمانان فمینیست و کارشناسان حقوقی ایجاد کنید. باید دسترسی کامل به منابع لازم، خدمات حقوقی و حمایت‌های سلامت روان برای آن‌ها فراهم شود.



فمنا از زنان مدافع حقوق بشر، گروه‌ها و سازمان‌هایشان، و از جنبش‌های فمینیستی در منطقه منا و کشورهای آسیایی حمایت می‌کند. تمرکز فمنا بر کشورهایی است که فضای فعالیت جامعه مدنی در حال کوچک و یا بسته شدن است، و همچنین در کشورهایی که تحت تأثیر جنگ و افراط‌گرایی قرار دارند. هدف فمنا، افزایش آگاهی درباره تأثیر تحولات منطقه بر زنان، جنبش‌های فمینیستی و نهادهای مدنی است. گزارش‌های ملی و منطقه‌ای فمنا، تحلیلی جامع از تحولات منطقه، به‌ویژه رویکردهایی که منجر به محدودسازی حقوق زنان و هدف قرار دادن جنبش‌های فمینیستی می‌شوند، ارائه می‌کنند. این گزارش‌ها، توصیه‌های عملی برای حمایت از حقوق زنان، حفاظت از زنان مدافع حقوق بشر در معرض خطر، و صیانت از فضای مدنی ارائه می‌دهند. همچنین، بر تقویت جنبش‌های فمینیستی و تضمین مشارکت زنان در فرآیندهای صلح تأکید می‌کنند.